

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

پیکان بنوال
۳۰ اگست ۲۰۱۴

دولت وحدت ملی؟!!

مضحکه انتخابات در افغانستان هنوز ادامه دارد و ظاهراً کمسیون مستقل انتخابات آرای داده شده را دوباره باید بشمارد و نظاره کند تا شفافیت انتخابات را مسجل کند و آرای تقلبی را از واقعی جدا کند. دوستان و قلم به دستان قبلاً درینمورد روشنی انداخته اند که این درامه تا چه حدی مسخره و بی معناست، با آنهم این پروسه تا حالا ادامه دارد و طبعاً نتیجه همانست که اربابان قصر سفید می خواهند، چندی قبل ارباب "اوباما" نماینده اش "جان کری" را فرستاد تا فضای متشنج را آرام بسازد و به مزدوران هدایات لازمه را بدهد، که دور اول آمدنش باعث گردید تا طرح دولت وحدت ملی را به وجود بیاورد؛ برنده و بازنده را در دولت سهیم بسازد، مثل این که دوغلام کردن و تیم های شان متوجه منظور ارباب نشدند و باز چنگ و دندان به هم نشان دادند و روی موقف ها و تقسیم قدرت نا ساز شدند، تا بار دیگر ارباب آمد و به دو نوکر فرمان داد که کنار بیایند در غیر آن..... تا اینجا داستان تکراریست، آنچه از نظر من در خور تعمق است مقوله "دولت وحدت ملی" است، که چه مفهوم و معنایی را افاده می کند.

جملات زیادی است که از لحاظ دستور زبان درست است، مثلاً؛ آسمان مربع است، زمین خط مستقیم است، حامد "مزدور" با وجدان است، طالبان به خاطر میهن می جنگند، و.... این جملات هم مبتداً دارند و هم خبر، اما نه آسمان مربع و نه زمین خط مستقیم و نه حامد "مزدور" با وجدان و نه جنگ طالبان به خاطر میهن است. از همین تیپ جملات و مقولات یکی هم ایجاد دولت وحدت ملی است. به دستور اربابان قصر سفید دو نامزد بی وجدان و وطن فروش اشرف مزدور و عبدالله خائن می خواهند دولت وحدت ملی به وجود بیاورند، که پایه حقوقی این ادعا و تعریف آن روشن نیست. هرگاه منظور از دولت وحدت ملی اشتراک کسانی از ملیت های مختلف میهن باشد که نه اشرف مزدور، نه عبدالله خائن، نه دوستم جلاذ و نه محقق بی وجدان، هیچ کدام نماینده مردم افغانستان و ملیت های ساکن در آن نیستند، در بین هرملیتی هستند کسانی که عاری از کرامت و سترگی انسان به معنی واقعی کلمه اند. هر گاه این عده به کمک ابر قدرتها بر مسند قدرت می رسند اینها نماینده مردم نیستند که دولتی را به وجود آورده باشند، عروسک هائی اند که بازبچه دست دیگرانند، چنانچه طی مدت زمانی که حامد "مزدور" بر اریکه قدرت قرار داشت و تا حالا ادامه دارد جز آنچه که با دارانش دستور کرده اند کار دیگری انجام نداده است و توان هم ندارد که انجام دهد، حالا که این دو مزدور و خائن در کنار هم دولت وحدت ملی؟ را به دستور سرمایه داران جهانی در رأس امریکا به وجود می آورند چه تفاوتی در سر نوشت مردم ما خواهد آورد؟ ظاهراً تمام کسانی که در دستگاه گورنر جنرالی حامد "مزدور" در مقام بودند باز هم خواهند بود، پس چه تغییر در ماهیت این دولت مطرح است که وصله ناجور "وحدت ملی" را بدان افزوده اند؟ به عقیده من وحدت ملی در مبارزه مردم برای آزادی کشور از چنگال استعمار گران روس و انگلیس معنی و مفهوم داشت نه برای ایجاد دولتی که نماینده منافع طبقات ستمگر است.

برای روشن شدن دولت و علت وجودی آن به اثر معروف لنین "دولت و انقلاب" مراجعه می کنیم تا روشن گردد که دولت محصول مبارزه بی امان و آشتی نا پذیر طبقات است نه طرح خود ساخته "وحدت ملی".

فصل اول

جامعه طبقاتی و دولت

۱ - دولت - محصول آشتی ناپذیری تضاد های طبقاتی است.

صفحه ۴ دولت و انقلاب

در صفحه ۵ همین کتاب لنین نقل قولی از انگلس می آورد که دولت چگونه و چرا به وجود آمد:

" انگلس ضمن تراز بندی تجزیه و تحلیل تاریخی خود می گوید " دولت به هیچ وجه نیروئی نیست که از خارج به جامعه تحمیل شده باشد. و نیز دولت ، خلاف ادعای هگل "تحقق ایده اخلاق"، " نمودار و تحقق عقل" نیست. دولت محصول جامعه در پله معینی از تکامل آنست؛ وجود دولت اعترافی است به این که جامعه سر در گم تضادهای لاینحلی با خود گردیده و به نیروهای متقابل آشتی ناپذیری منشعب شده است که خلاصی از آن در ید قدرتش نیست. و برای این که این نیرو های متقابل یعنی این طبقات دارای منافع اقتصاد متضاد، در جریان مبارزه ای بی ثمر، یک دیگر و خود را نبلعند، نیروی لازم آمد که ظاهراً ما فوق جامعه قرار گرفته باشد، نیروئی که از شدت تضادات بکاهد و آن را در چها رچوب "نظم" محدود سازد. همین نیروئی که از درون جامعه برون آمده ولی خود را مافوق آن قرار می دهد و بیش از پیش با آن بیگانه می شود- دولت است" " منشأ خانواده، مالکیت خصوصی و دولت" صفحه ۱۷۷ و ۱۷۸ چاپ ششم المان" دولت و انقلاب صفحه ۵.

سپس لنین ادامه داده می گوید :

در اینجا ایده اساسی مارکسیسم در مورد نقش تاریخی دولت، با وضوح کامل بیان شده است. دولت محصول و تجلی آشتی ناپذیری تضاد های طبقاتی است. دولت در آنجا، در آنزمان و در حدودی پدید می آید که تضاد های طبقاتی در آنجا ، در آنزمان و در آن حدود به طرز ابژکتیف دیگر نمی توانند آشتی پذیر باشند.. دولت و انقلاب صفحه ۶.

از تعالیم مارکسیسم می توان به این نتیجه رسید که دولت یک پدیده تحقق اخلاقی نیست که از طریق آن بتوان وحدت ملی را تأمین نمود، بلکه دولت تضادها را در محدوده و نظم قوانین خود در می آورد، و طبعاً ماهیت این قوانین طبقاتی است و حامی منافع یک طبقاتی که همانا طبقات مسلط اند. با وجودی که دولت ظاهراً ما فوق جامعه قرار دارد و از مناسبات درون جامعه که همانا تضاد منافع است به وجود آمده ، به هیچ وجه به معنای زمینه آشتی طبقات نیست. طبقات اجتماعی شامل افراد مختلف از گروه ها و ملیت های مختلف ساکن در یک کشوراند که بر اساس سهم و نقشی که در تولید و توزیع کالا به عهده دارند، از هم تفکیک می گردند؛ بدین ترتیب دولتی که قرار است در افغانستان زیر نظر مستقیم امریکا و انگلیس و همدستان آنها تشکیل و مستقر شود نمی تواند بیرون از این قاعده باشد، این دولت حامی منافع غرب، فنودالها و کمپرادور ها خواهد بود، درست مانند خلف خود، جایی در آن برای آشتی و وحدت وجود ندارد. این دولت دست نشانده است که از هیچ گونه استقلالی برخوردار نخواهد بود، وارث غلامی دولت حامد "مزدور" است.

دولت دست نشانده:

این اصطلاح به دولتی اطلاق می شود که ظاهراً دارای استقلال بوده ولی در واقع توسط برخی از قدرت های بزرگ (معمولاً بیگانه کنترل و اداره می شود).

(صفحه ۲۹۲ فرهنگ سیاسی آرش- --- غلام رضا علی بابائی)

در حالی که دولت افغانستان حتی در ظاهر هم استقلال ندارد، هر تعداد از وطن فروشان که در آن شرکت کنند ماهیت آن تغییری نمی کند؛ زیرا اینها نماینده هیچ ملیتی نیستند، اینها نوکران و جاسوسانی اند که در خدمت بیگانگان قرار دارند و حامی منافع آنهایند، در عوض جیب هایشان پُرتر می شود؛ ماهیت اصلی این دولت.

واقیعت دیگری که در مسأله این دولت مزدور وجود دارد انتخابات است، که من قبلاً در مقاله ای آن را "انتصاب" خوانده ام و به تکرار از همین اصطلاح استفاده می کنم و انتصاب یک و یا چند فردیکه متجاوزین تحمیل می کنند، انتخاب مردم نیست. برای روشن شدن هر چه بیشتر این موضوع به اخبار و ارقام داده شده دولت مزدور افغانستان مراجعه می کنم تا دیده شود آیا اکثریت مردم ما در انتخابات شرکت داشته اند.

دور اول انتخابات که به تاریخ ۱۶ حمل بر گزار گردید قرار گفته مقامات، روز نامه ها، جرائد و رادیو های دولت مزدور و حامیانشان حدود ۷ تا ۸ میلیون نفر در آن سهم گرفته بودند که در نهایت با رسوائی و سروصدا بی نتیجه ماند و به دور دوم رفت. دور دوم به اعتراف دولت مزدور و قلم به دستان همکار دولت حضور مردم کم رنگتر بود چیزی بین ۵ و نیم تا ۶ میلیون سهم گرفتند، هر گاه همین ار قام مورد قبول قرار گیرد، با مقایسه به جمعیت کل کشور که بالای ۳۱ میلیون می باشد، در دور اول حدود ۲۵ درصد و دور دوم ۱۹ در صد تمام جمعیت کشور شرکت داشته اند نه اکثریت. رأی دهندگان اکثراً شهر نشینان، شامل کارمندان دولت، قوای مسلح (عساکر، پولیس و کارمندان اداره امنیت دولت مزدور)، کارمندان انجوها و کمپنی های خارجی و یا ساده تر بگویم کسانی که حقوق و معاشات دالری می گیرند، کمپرادورها و بازاریها، شاید عده ای هم خوشبایرانه بیرون از این دایره سهم گرفته باشند که فیصدی آنها قابل توجه نیست، آنچه مربوط به هسته مرکزی مردم می شود، بیشتر در اطراف، قریه ها و دهکده ها زندگی می کنند که در هیچ گزارش رسمی دولت مزدور از آن یاد نشده؛ که این به معنی سهم گیری اقلیت است نه اکثریت.

بعد از ختم نمایشنامه مضحک انتخابات (در همه نوشته منظوم انتصاب و زمینه سازیست) عبدالله خائن ادعا کرد که تقلب به صورت گسترده صورت گرفته و الا اودر رأس مزدوران قرار می گرفت، و اشرف مزدور ادعا دارد که او برنده است و هر پروسه ای که برای شفافیت لازم باشد او قبول دارد، معلوم است که پشتش گرم است، داد و بیداد عبدالله ادامه بازی. اتحاد این دو موجود مفلوک اگر ایجاد وحت ملی می کند واه به حال مردم ما!

در بین میان که راست می گوید؟

کشوریکه تمام امور آن در دست بیگانگان است، آیا می تواند انتخاباتی در آن صورت گیرد؟ آیا در چنین شرائطی دولتی که ممثل اراده مردم باشد می تواند به وجود بیاید؟ محال است، فقط باسواد خرده بورژواست که در صدد توجیه است نه عنصر انقلابی. هردو بی وجدان اشرف و عبدالله، و وطن فروشانی اند که تلاش دارند تا خودرا در خدمت گذاری به اربابان زر و زور تثبیت کنند.

ماهیت چنین دولتی وچنان انتخاباتی را افشاء کردن و تأکید روی بی وجدانی ووطن فروشی بورکراتها در افغانستان، وظیفه تمام روشنفکران و قلم به دستان انقلابی است، بی آن که ماشین آماده ای داشته باشند که جایگزین این یکی بکنند، در جهان ما اکنون میلیونها انسان زحمتکش در مقابل امپریالیزم و زور گوئی قیام کرده اند و همه جا به ضد آن مبارزه می کنند، بی آن که ماشین ویا دستگاه آماده ای داشته باشند که جایگزین کنند؛ زیرا پروسه مبارزه طولانیست دم و دستگاهی که باید جایگزین شود درین پروسه شکل خواهد گرفت، آنچه آماده جا می گیرد بهتر از دولت فعلی نخواهد بود. هر گاه روشنگری نکنیم باید دست روی دست بگذاریم و تماشا گر باشیم، که این خیانت به مردم ما و سرنوشت آنهاست.

وظیفه تمام انقلابیون و کمونیست ها افشای بی امان دولت مزدور افغانستان است، همانطوریکه با سوادان قلم به دست و جیره خوار در صدد توجیه آنند.